



# ایران و رئیس جمهور آینده آمریکا

مهدی شاپوری \*

## اشاره:

جمهوری اسلامی ایران یکی از سوژه‌های ویژه در مباحث مربوط به سیاست خارجی در مناظره‌های درون‌حزبی انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا بوده است. توافق «برنامه جامع اقدام مشترک» یا «برجام» مهمترین موضوعی است که ایران را در این جایگاه قرار داده است. البته در اشاره‌های کاندیداهای دو حزب به ایران، مسائل دیگری مانند ثبات خاورمیانه، تروریسم، حقوق بشر و توان نظامی و موشکی نیز همچنان محل بحث بوده‌اند. در این نوشتار تلاش بر آن است تا ضمن بررسی نگاه‌ها در مناظره‌های درون‌حزبی انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا، چشم‌اندازی در مورد نحوه برخورد با ایران در دوران ریاست جمهوری آینده این کشور ارائه شود.

## مقدمه

از زمان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به بعد، که روابط ایران و آمریکا ارتقاء یافت و وارد مرحله جدیدی شد، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برای ایران مهم بوده است، به گونه‌ای که حتی در مقاطعی دولت ایران سعی در کمک به پیروزی یکی از رقبای کاندیداهای ریاست جمهوری آمریکا نمود. بعد از انقلاب اسلامی، اهمیت انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برای ایران تا اندازه زیادی کاهش یافت؛ چون آمریکا از جایگاه یک متحد استراتژیک به «شیطان بزرگ» نزد رهبران ایران تنزل یافته بود و اینکه چه کسی در رأس قدرت این شیطان بزرگ قرار می‌گیرد، دیگر آن اهمیت سابق را نداشت. البته این به معنای آن نیست که انتخابات ریاست جمهوری

آمریکا برای ایران کارکرد نداشته و هیچ تفاوتی در سیاست‌های افرادی که نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شده‌اند، نسبت به ایران وجود نداشته است.

به‌رغم وجود برخی الگوهای باثبات رفتاری در سیاست خارجی آمریکا در مورد جمهوری اسلامی ایران و کشورهایی مانند آن (که سرکش، یاغی، حامی تروریسم، ناقض حقوق بشر، پایگاه استبداد و... خوانده می‌شوند)، به دلیل جایگاه و قدرتی که رئیس جمهور آمریکا در ساختارهای حقوقی و حقیقی قدرت در این کشور دارد و همچنین الزامات تکوینی سیاست‌گذاری و نیز کدهای روان‌شناختی و عملیاتی متفاوت رهبران، مطمئناً در صورتی که رقبای ریگان، بوش پدر، کلینتون، بوش پسر و اوباما در انتخابات پیروز می‌شدند، سیاست‌های آمریکا در مورد ایران متفاوت از آن چیزی بود که انجام گرفت. پس انتخابات ریاست جمهوری آمریکا حتی اگر از سوی جمهوری اسلامی ایران نادیده گرفته شده باشد، باز هم بر کشورمان تأثیرگذار بوده است. بر این پایه اگر مک‌کین در ۲۰۰۸ یا میت رامنی در ۲۰۱۲ اوباما را شکست می‌دادند، نمی‌توان گفت وضعیت مناسبات آمریکا و ایران در حال حاضر همان چیزی می‌بود که اکنون هست، یا



## ایران در مناظره‌های انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

ایران و شیوه برخورد با آن، تا کنون یکی از مباحث مهم بخش سیاست خارجی مناظره‌های درون‌حزبی انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا بوده است. کاندیداهای هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات درباره توافق جامع هسته‌ای به عنوان یکی از دستاوردهای بزرگ دولت باراک اوباما اظهار نظر نموده و تقریباً همه آنها به طور صریح موضع خود را در مورد این توافق اعلام کرده‌اند. سه دیدگاه در میان کاندیداهای جمهوری خواه در مورد توافق جامع وجود داشته است: ۱- دیدگاهی که قائل به پذیرش این توافق و تلاش برای مواظبت از احتمال نقض آن توسط ایران است. جان کیسیچ، فرماندار اوهایو، چنین اعتقادی دارد. وی در این مورد عنوان کرده است: «اگر ایران یک نقطه از توافق هسته‌ای را نقض کند، من فوراً جهان را برای اعمال مجدد تحریم‌ها علیه این کشور بسیج خواهم کرد»؛ ۲- دیدگاهی که طرفدار پاره نمودن و دور انداختن توافق جامع است. کسانی مانند تد کروزر و مارکو رابینو چنین نظری داشته‌اند. تد کروزر ضمن مقایسه توافق جامع با قرارداد مونیخ ۱۹۳۸ (میان آلمان، بریتانیا، فرانسه و ایتالیا که بهانه الحاق چکسلواکی به آلمان هیتلری شد) عنوان کرده است: «در اولین روز کاری‌ام [به عنوان رئیس جمهور] توافق هسته‌ای فاجعه‌بار با ایران را پاره خواهم کرد... و تحریم‌ها را مجدداً بر ایران تحمیل می‌کنم»؛ ۳- دیدگاهی که طرفدار مذاکره دوباره با ایران و ایجاد توافقی بهتر با این کشور در موضوع هسته‌ای است.

اگر ال‌گور در ۲۰۰۰ یا جان کری در ۲۰۰۴ بوش پسر را شکست می‌دادند، در روابط آمریکا و ایران همان اتفاقاتی می‌افتاد که از ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ رخ داد.

البته باید این نکته را نیز در نظر گرفت که ایران نیز به‌ویژه بعد از انقلاب جایگاه مهمی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا داشته است؛ به طوری که حتی عده‌ای از نقش انکارناپذیر ایران در انتخاب رؤسای جمهوری آمریکا یا حداقل برخی از آنها سخن می‌گویند. این شاید در مورد پیروزی ریگان بر کارتر صادق‌تر از موارد دیگر باشد. در واقع یکی از دلایل اصلی شکست کارتر از ریگان، عدم توانایی کارتر در حل و فصل مسئله گروگان‌گیری و آزادی گروگان‌های سفارت آمریکا در تهران ذکر شده است. به هر حال، هم ایران در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا جایگاه مهمی دارد و هم انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برای ایران بااهمیت است. این در مورد انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا بسیار صادق‌تر است. در حقیقت این انتخابات در زمانی صورت می‌گیرد که ایران و آمریکا با امضای توافق جامع هسته‌ای، به تعبیر هیلاری کلینتون نامزد احتمالی حزب دموکرات در انتخابات ۲۰۱۶، توانسته‌اند در طول ۳۶ سال گذشته «یک روز خوب» را در روابط خود تجربه کنند.

البته این فقط برای دموکرات‌ها «روز خوبی» است و جمهوری خواهان دیدگاهی کاملاً متفاوت دارند. نامزدهای این حزب برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ و نامزد نهایی آن که به نظر می‌رسد دونالد ترامپ باشد، معتقدند که توافق هسته‌ای برای آمریکا و متحدانش «یک فاجعه» بوده و وعده داده‌اند آن را دور خواهند انداخت یا از نو برای توافقی دیگر وارد مذاکره با ایران خواهند شد. علاوه بر بحث داغ بر سر برجام، در اشارات و بیانات نامزدهای دو حزب در مورد ایران، مسائل دیگری مانند ثبات خاورمیانه، تروریسم، حقوق بشر و توان نظامی و موشکی ایران نیز همچنان محل بحث بوده‌اند. در این نوشتار ابتدا به دیدگاه نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، به‌ویژه هیلاری کلینتون و دونالد ترامپ که به نظر می‌رسد رقبای نهایی کرسی ریاست جمهوری آمریکا خواهند بود، درباره ایران و مخصوصاً توافق جامع هسته‌ای یا برجام پرداخته می‌شود. سپس چشم‌اندازی در مورد برخورد رئیس‌جمهوری آتی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌شود.



پیروزی خانم کلینتون بر برنی سندرز تقریباً قطعی است و به احتمال زیاد وی به‌عنوان نامزد حزب دموکرات برای رقابت در انتخابات آبان‌ماه ریاست جمهوری آمریکا معرفی خواهد شد. البته در این مورد باید دو احتمال کوچک را نیز در نظر گرفت. یکی اینکه به دلیل نارضایتی‌هایی که بسیاری از جمهوری خواهان نسبت به مواضع ترامپ در مورد مسلمانان، جنسیت، مهاجرت، تجارت آزاد و... دارند، ممکن است بخشی از طرفداران این حزب از شخص سومی برای ورود به کارزار انتخابات ریاست جمهوری حمایت کنند.

به نظر می‌رسد انتخاب آمریکایی‌ها بین بد و بدتر خواهد بود و کلینتون به‌عنوان گزینه بد انتخاب خواهد شد؛ گزینه بدی که البته برای جمهوری اسلامی ایران گزینه بدتر محسوب می‌شود و باید خود را برای برخورد‌های این سیاستمدار سرسخت، زیرک و جاه‌طلب آماده کند.

از طرف دموکرات‌ها نیز زرمه‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه اگر اف.بی.آی خانم کلینتون را در قضیه استفاده از ایمیل شخصی برای انجام کارهای حکومتی (در زمانی که وی وزیر خارجه بوده است) مقصر بداند، ممکن است جوزف بایدن، معاون باراک اوباما، به جای او برای ورود به رقابت برای کسب کرسی ریاست جمهوری آمریکا معرفی شود. البته این موارد در حد حدس و گمان بوده و نباید جایگاه جدی برای آنها قائل شد. به هر حال فرض بر این است که ترامپ به‌عنوان نامزد حزب جمهوری خواه و کلینتون به‌عنوان کاندیدای حزب دموکرات معرفی خواهند شد و

دونالد ترامپ از این موضع حمایت کرده است. وی توافق جامع را فاجعه‌بار خوانده و آن را بدترین توافق در تاریخ آمریکا دانسته است. ترامپ با بیان اینکه من تجربه طولانی در کسب و کار دارم و معامله‌گری را خوب بلدم، گفته است: «وقتی به‌عنوان رئیس جمهور انتخاب شدم، دوباره با ایران مذاکره خواهم کرد». نامزدهای حزب دموکرات یعنی برنی سندرز و هیلاری کلینتون تقریباً دیدگاه مشابهی در مورد توافق هسته‌ای دارند. سندرز ضمن حمایت کامل از این توافق، آن را بهترین مسیر برای بازداشتن ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای و نیز جلوگیری از مداخله نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران عنوان کرده است. با این وجود، وی تأکید کرده که «اگر ایران با این توافق همراهی نکند، ما باید تحریم‌ها را مجدداً اعمال نموده و همه گزینه‌ها را روی میز برگردانیم». هیلاری کلینتون نیز ضمن جلوه دادن توافق هسته‌ای به‌عنوان حاصل تلاش‌های دیپلماتیک خود (در دورانی که وزیر امور خارجه آمریکا بود) در تحمیل تحریم‌های فلج‌کننده برای به پای میز مذاکره آوردن ایران، گفته که «من بسیار به توافق هسته‌ای با ایران افتخار می‌کنم... من فکر می‌کنم با قرار دادن پوششی بر روی برنامه سلاح هسته‌ای ایران از طریق توافق هسته‌ای، به توافق بزرگی دست یافته‌ایم». هم‌اکنون ترامپ توانسته دیگر کاندیداهای حزب جمهوری خواه را از صحنه رقابت درون‌حزبی بیرون کند و به‌نظر می‌رسد کنوانسیون حزب جمهوری خواه در اواخر تیرماه ۱۳۹۴ وی را به‌عنوان نامزد قطعی این حزب در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ معرفی نماید. از آن سو نیز

رقابت نهایی را برگزار خواهند نمود. در چنین شرایطی، مواضع این دو فرد در مورد جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد. اما ترامپ و کلینتون چه دیدگاهی نسبت به ایران دارند؟ موضع خانم کلینتون واضح تر و مشخص تر است، چون وی وزیر خارجه سابق آمریکا بوده و ایران و به‌ویژه برنامه هسته‌ای آن، یکی از دستور کارهای مهم سیاست خارجی آمریکا در دوران وزارت وی بوده است. در مقابل، ترامپ هیچ سابقه‌ای در امور حکومتی و مخصوصاً سیاست خارجی ندارد و بنابراین تشخیص مواضع واقعی و پایدار وی کار دشواری است. ولی به هر حال با مراجعه به سخنرانی‌های وی در مورد سیاست خارجی و اشاراتی که به ایران داشته است، می‌توان حدود برخورد وی در قامت رئیس‌جمهوری آمریکا با ایران را حدس زد.

کلینتون در یکی از سخنرانی‌های خود اعلام کرده است که استراتژی من در مورد ایران بر پنج پایه محکم استوار خواهد بود:

- ۱- من تعهد تزلزل‌ناپذیر آمریکا نسبت به امنیت اسرائیل که شامل سنت سابقه‌دار تضمین برتری کیفی نظامی آن می‌شود، را تعمیق خواهم بخشید.
- ۲- من مجدداً بر اینکه خلیج فارس منطقه‌ای حیاتی برای ایالات متحده آمریکا است، تأکید خواهم کرد. ما نمی‌خواهیم هیچ کدام از همسایگان ایران به سمت توسعه یا دستیابی به سلاح هسته‌ای بروند، بنابراین ما می‌خواهیم به آنها احساس امن بودن بدهیم. من حضور نظامی قوی در منطقه، به‌ویژه حضور نیروهای هوایی و دریایی، را تداوم خواهم بخشید.
- ۳- من ائتلافی برای مقابله با نمایندگان ایران به‌ویژه حزب‌الله ایجاد خواهم کرد. این شامل اعمال و تحکیم قواعد ممنوعیت انتقال سلاح به حزب‌الله، جستجوی روش‌های جدید برای بستن ممر درآمدی آنها و فشار بر شرکای مان برای شناسایی حزب‌الله به‌عنوان سازمانی تروریستی می‌شود. همچنین اگر ضروری باشد سخت تلاش خواهم کرد تحریم‌های آمریکا علیه ایران و سپاه پاسداران این کشور را به دلیل حمایت آن از تروریسم، برنامه موشکی بالستیک و دیگر فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده آن، به شکل گسترده‌ای و در سراسر جهان اعمال کرده و تقویت نمایم.
- ۴- من مانند همیشه در مقابل سوءاستفاده‌های ایران در داخل، از حبس زندانیان سیاسی گرفته تا سرکوبی آزادی بیان از جمله در حوزه آنلاین، خواهم ایستاد.
- ۵- همان‌گونه که نیاز است توافق هسته‌ای در یک سیاست ایرانی گسترده‌تر جاسازی شود، سیاست گسترده‌تر ما در مورد ایران

نیز نیاز است در یک استراتژی منطقه‌ای جامع تعبیه شود تا ضمن ارتقاء ثبات، با افراط‌گرایی مقابله نماید.

دونالد ترامپ نیز در جریان سخنرانی خود برای لابی صهیونیستی آپیک در تاریخ ۲۱ مارس ۲۰۱۶ (۲ فروردین ۱۳۹۵) اعلام کرد که استراتژی من در مورد ایران بر سه چیز متمرکز خواهد بود: ۱- ما در مقابل رفتار تهاجمی ایران که در راستای بی‌ثبات‌سازی و تسلط در منطقه است، خواهیم ایستاد. ایران مشکل بزرگی است و همچنان خواهد بود. ایران در عراق، سوریه، لبنان و یمن یک مشکل است و نیز مشکل بزرگی برای عربستان سعودی است. هر روز ایران سلاح‌های بیشتر و بهتری برای حمایت از دولت‌های دست‌نشانده خود فراهم می‌کند. حزب‌الله لبنان سلاح‌های ضد کشتی پیچیده‌تر، سلاح‌های ضد هوایی و سیستم‌های جی.پی.اس و راکت‌هایی که کشورهای کمی در جهان به آنها دسترسی دارند، از ایران دریافت کرده است. هم‌اکنون آنها در سوریه در حال تلاش برای ایجاد جبهه دیگری علیه اسرائیل از طریق بلندی‌های جولان هستند. در غزه هم ایران در حال حمایت از حماس و جهاد اسلامی است. در کرانه باختری، آنها (ایرانی‌ها) برای هر حمله‌ای آشکارا ۷۰۰۰ دلار و در ازای تخریب هر خانه فلسطینی ۳۰۰۰۰ دلار پیشنهاد می‌کنند. این وضعیتی اسفناک است. ایران در حال حمایت مالی از نیروهای نظامی در سراسر خاورمیانه است و قطعاً باور نکردنی است که ما بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار به آنها دادیم؛ برای انجام بیشتر اعمال وحشتناک تروریستی؛ ۲- ما به‌طور کامل شبکه ترور جهانی ایران، که بزرگ و

ایران به دست دهد و صرفاً به ارائه مطالبی پراکنده در مورد ایران بسنده نموده است.

### رئیس جمهور آینده آمریکا و مسئله ایران

فارغ از بحث‌های تبلیغاتی که در کارزار انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در مورد ایران مطرح است، رئیس جمهور آینده آمریکا چگونه با ایران برخورد خواهد کرد؟ به فرض اینکه ترامپ و کلینتون به عنوان نامزدهای نهایی دو حزب معرفی شوند، در صورت پیروزی هر کدام از آنها، احتمالاً چگونه رفتاری نسبت به کشورمان خواهند داشت؟ کلینتون در حوزه سیاست خارجی اسماً یک دموکرات، اما رسماً به جمهوری خواهان نزدیک است. پیشینه وی نیز چنین مسئله‌ای را تأیید می‌کند. کلینتون در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۹۴ آمریکا حامی باری گلدواتر نامزد فوق‌العاده محافظه کار جمهوری خواهان بوده است. البته خودش می‌گوید که بعداً تصمیم گرفته برای ارتقاء حقوق شهروندی، حق رأی و پایان دادن به فقر به کمپ کسانی مانند رئیس جمهور لیندون جانسون ببیند. ولی انکار نمی‌کند که بیشتر یک محافظه کار است. وی در مصاحبه‌ای در سال ۱۹۹۶ گفته است: «عقاید سیاسی من ریشه در محافظه کاری، که در حقیقت با آن رشد کرده‌ام، دارد».

کلینتون در سال ۲۰۰۳ از مداخله آمریکا در عراق حمایت نمود. وی همچنین در جریان مداخله آمریکا در لیبی نقش مهمی ایفا کرد. از کودتا علیه دولت مانوئل زلایا در هندوراس در سال ۲۰۰۹ نیز حمایت نمود. همچنین یکی از طرفداران اصلی مداخله در سوریه، به ویژه بعد از آنچه نقض خط قرمز اواما توسط حکومت اسد در استفاده از سلاح‌های شیمیایی خوانده می‌شود، بوده است. رفتارهای تند کلینتون در دورانی که در وزارت خارجه بود باعث شده تا جوزف بایدن، معاون رئیس جمهوری آمریکا، در جمعی خصوصی بگوید که «کلینتون می‌خواهد گلدا مایر باشد». گلدا مایر نخست‌وزیر اسرائیل از ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ بود و به بانوی آهنین سیاست اسرائیل شهره است. اینها به این معنی است که هیلاری کلینتون مانند اواما با ایران برخورد نخواهد کرد و به احتمال بسیار زیاد رویکرد سرسختانه‌تری در رابطه با جمهوری اسلامی ایران در پیش خواهد گرفت. وی در جایی در پاسخ به سنדרز، عنوان کرده است «من فکر نمی‌کنم باید وعده روابط عادی با ایران را بدهیم. حتی فکر نمی‌کنم باید در جستجوی چنین چیزی باشیم، چون ما هنوز کارهای دیگری

قدرتمند اما نه به اندازه ما قدرتمند است را از بین خواهیم برد. ایران بزرگ‌ترین حامی تروریسم در جهان است و ما برای از بین بردن این مسئله کار خواهیم کرد؛ ۳- برای پاسخگو نگه داشتن ایران، حداقل ما باید مفاد توافق قبلی را اعمال نماییم. ما آن را به گونه‌ای که شما دوستان تا حالا سراغ نداشته‌اید، اعمال خواهیم کرد. از زمانی که این توافق به اجرا گذاشته شده، ایران ۳ مرتبه آزمایش موشکی بالستیک انجام داده است. این موشک‌های بالستیک با بردی ۱۲۵۰ مایلی نه تنها برای ترساندن اسرائیل بلکه برای تهدید اروپا و شاید روزی حتی هدف قرار دادن آمریکا طراحی شده‌اند. ما اجازه نخواهیم داد چنین چیزی برای ما و اسرائیل اتفاق بیفتد.

همان گونه که در استراتژی اعلامی دو کاندیدای احتمالی ریاست جمهوری آمریکا مشاهده می‌شود، علاوه بر توافق هسته‌ای، مسائلی مانند رفتار ایران در منطقه، ادعای حمایت ایران از تروریسم که عمده‌تاً شامل حمایت این کشور از گروه‌هایی مانند حزب‌الله و حماس می‌شود، برنامه موشکی و آزمایش‌های موشکی ایران و حقوق بشر در اشارات و بحث‌های آنها در مورد ایران دیده می‌شوند. البته ترامپ تاکنون تقریباً هیچ اشاره‌ای به مسائل داخلی ایران یا بحث حقوق بشر در ایران نداشته است. در مجموع به نظر می‌رسد کلینتون با تجربه‌ای که در سیاست خارجی آمریکا کسب نموده، عملی‌تر و عینی‌تر توانسته رویکرد خود در مورد ایران را تبیین کند و در مقابل، ترامپ هنوز نتوانسته رویکرد منسجم و دقیقی در مورد جمهوری اسلامی

با ایران داریم که باید انجام بدهیم. آنها باید حمایت از تروریسم را متوقف نمایند. آنها باید از تلاش برای بی‌ثبات‌سازی خاورمیانه دست بردارند. آنها باید از سوریه بیرون بروند. آنها باید حمایت از حماس و حزب‌الله را متوقف کنند. آنها باید از تلاش برای انتقال سلاح به غزه، که می‌تواند علیه اسرائیل استفاده شود، صرف‌نظر کنند». کلینتون در جای دیگری نیز گفته است: «اگر ما هم‌اکنون به سمت عادی‌سازی روابط با ایران پیش برویم، یکی از بزرگترین قطعه‌های اهرمی که باید از طریق آن برای نفوذ و تغییر رفتار ایرانی‌ها تلاش کنیم را از دست می‌دهیم.... من معتقدم باید تلاش کنیم گام به گام بر رفتار متجاوزانه ایرانی‌ها، حمایت‌شان از تروریسم و دیگر رفتارهایی که می‌تواند برگردد و باعث آزار و اذیت ما شود، غلبه کنیم».

وی در سخنرانی دیگری ضمن افتخار به توافق هسته‌ای با ایران و معرفی خود به‌عنوان مسئول تحمیل تحریم‌هایی که ایران را پای میز مذاکره آورد، می‌گوید: «ما در طول ۳۶ سال گذشته تنها یک روز خوب [در روابطمان با ایران] داشته‌ایم و من فکر می‌کنم قبل از عادی‌سازی روابط باید روزهای خوب بیشتری داشته باشیم. ما باید مطمئن شویم که آنها توافق را به درستی اجرا خواهند کرد. سپس بسیاری از رفتارهای آنها در منطقه که باعث مشکلات زیادی در سوریه، یمن، عراق و جاهای دیگر شده است را تعقیب کنیم». همه اینها به همراه تجربه کاری کلینتون نشان می‌دهد در صورتی که وی رئیس‌جمهور آمریکا شود، رویکرد سخت‌گیرانه‌ای نسبت به ایران خواهد داشت و در مسائل مختلف تلاش خواهد نمود ایران را تحت فشار قرار دهد. اجرای سرسختانه و بدون انعطاف توافق جامع هسته‌ای، تداوم اعمال تحریم‌های موجود علیه ایران و احتمالاً اعمال تحریم‌های جدید به بهانه‌های مختلف، مقابله با توان و آزمایش‌های موشکی ایران، مداخلات و فشارهای حقوق بشری، تلاش برای سد نفوذ و مقابله با رفتارها و اقدامات ایران در منطقه و فشار بر متحدان جمهوری اسلامی از اجزای مهم سیاست کلینتون در مورد ایران خواهند بود.

اما در مورد رویکرد ترامپ درباره ایران باید گفت که نخست: همان‌گونه که عنوان شد ترامپ هیچ تجربه‌ای در سیاست خارجی ندارد و به همین دلیل صرفاً نباید گفته‌های وی در این مورد را مبنا قرار داد؛ دوم: به نظر می‌رسد کمپین ترامپ از فقدان یک رویکرد منسجم در حوزه سیاست خارجی رنج می‌برد و آنچه وی در مورد

مسائل سیاست خارجی عنوان می‌کند صرفاً بحث‌هایی پراکنده و فاقد مبانی راهبردی و عمدتاً در نفی رویکرد اوباما و کلینتون (هر دو کلینتون هم‌بیل و هم‌هیلاری) در سیاست خارجی است. ممکن است این فقدان انسجام، عمدی باشد و در واقع سرپوشی باشد بر شکست ایده‌های جمهوری خواهان در حوزه سیاست خارجی و شاید هم ناشی از این باشد که ترامپ یک جمهوری‌خواه اصیل نیست و در حوزه سیاست خارجی بحث‌هایی را مطرح می‌کند (مانند احتمال خروج آمریکا از ناتو، بیرون کشیدن نیروهای آمریکایی از ژاپن و کره و اجازه دادن به این کشورها برای ساخت بمب هسته‌ای برای دفاع از خود در برابر کره شمالی، دوستی با پوتین، محدود نمودن حوزه تجارت آزاد، مقابله سخت با مهاجران به ویژه مسلمانان) که جمهوری خواهان را نیز به سرگیجه انداخته است.

مسئله دیگر این است که به هیچ وجه مشخص نیست ترامپ به محض انتخاب شدن به‌عنوان رئیس‌جمهوری، بتواند همان مواضعی را در پیش بگیرد که در دوران کارزار انتخاباتی بر آنها پافشاری می‌کند. به هر حال در صورتی که ترامپ رئیس‌جمهور شود، در حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی تیمی جمهوری‌خواه خواهد داشت و به دلیل فقدان تسلط و تجربه وی در سیاست خارجی، این تیم نقش اصلی را در هدایت سیاست خارجی آمریکا ایفا خواهد نمود. با این حال، به نظر می‌رسد با کنار هم قرار دادن مواضع ترامپ می‌توان حدود سیاست خارجی مدنظر وی را تا اندازه‌ای حدس زد. به نظر

را به نومحافظه کاران نزدیک می‌کند. رئیس جمهوری که عقایدش بین انزواگرایی و نومحافظه کاری در تلاطم است، به نظر می‌رسد می‌تواند گزینه مطلوبی برای جمهوری اسلامی ایران باشد. در واقع انزواگرایی او مداخلات آمریکا در جهان و منطقه و در امور داخلی ایران را کاهش می‌دهد و این برای جمهوری اسلامی می‌تواند گزینه مطلوبی باشد. نومحافظه کاری وی نیز احتمالاً باعث رنجش جهانی به‌ویژه از سوی متحدان آمریکا نسبت به این کشور خواهد شد و این نیز برای جمهوری اسلامی ایران که از مخالفان سرسخت آمریکا در جهان به‌شمار می‌رود و همیشه توسط آمریکا تحت فشار بوده و واشنگتن تعاملاتش را با بیرون محدود نموده است، می‌تواند مثبت باشد.

### سناریوی مطلوب برای جمهوری اسلامی ایران

نظر بسیاری از کارشناسان بر این است که بهترین گزینه برای جمهوری اسلامی ایران در میان کاندیداهایی که در رقابت‌های درون‌حزبی دو حزب جمهوری خواه و دموکرات آمریکا برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ شرکت داشته‌اند، برنی سندرز است. وی حامی تلاش برای عادی‌سازی روابط با ایران است، مسئله‌ای که به‌شدت از سوی کمپین هیلاری کلینتون مورد انتقاد قرار گرفته است. البته باید توجه داشت که سندرز نیز به سادگی خواهان عادی‌سازی روابط با ایران نیست، بلکه او هم مانند دیگر کاندیداهای دو حزب، از برخی رفتارهای ایران مانند آنچه دفاع از تروریسم یا رفتارهای بی‌ثبات‌کننده خوانده است، انتقاد کرده است. ولی به هر حال معتقد است می‌توان همان‌گونه که بعد از نیم قرن آمریکا و کوبا توانستند روابط خود را عادی‌سازی کنند، ایران و آمریکا نیز می‌توانند در چنین مسیری حرکت کنند. با این وجود، سندرز شانس چندانی برای پیروزی بر کلینتون ندارد و به نظر می‌رسد باید کلینتون را نامزد قطعی حزب دموکرات در انتخابات پیش‌رو فرض کرد.

بعد از سندرز، به نظر می‌رسد دونالد ترامپ از چند جهت مطلوب‌ترین گزینه برای جمهوری اسلامی ایران باشد: ۱- همان‌گونه که عنوان شد، وی تا حدود زیادی انزواطلب و مخالف مداخله‌گرایی در سیاست خارجی است و این هم در سطح داخلی و هم در سطوح منطقه‌ای و جهانی به نفع جمهوری اسلامی است؛ ۲- ترامپ تفکرات نومحافظه کارانه دارد و این در کنار انزواگرایی

می‌رسد مواضع ترامپ در سیاست خارجی چیزی بین انزواگرایی و نومحافظه کاری است. اینکه وی تأکید می‌کند «اول آمریکا»<sup>۱</sup> و با مداخله‌گرایی و ملت‌سازی<sup>۲</sup> در بیرون بشدت مخالفت می‌کند، بر بازسازی آمریکا قبل از حرکت به سمت بیرون اصرار دارد، جنگ را آخرین گزینه عنوان می‌کند، اقدامات آمریکا در عراق و سوریه را در آزادسازی پتانسیل داعش مؤثر می‌داند، بازسازی خاورمیانه به سبک دموکراسی‌های غربی را ایده خطرناکی تلقی می‌کند، از تضعیف آمریکا به وسیله مجموعه‌ای از جنگ‌های ناکام سخن می‌گوید، سواری دادن رایگان به متحدان آمریکا را نمی‌پسندد و اعلام می‌کند که کشورهای مانند عربستان سعودی، ژاپن، کره جنوبی و اعضای اروپایی ناتو باید هزینه بیشتری برای تأمین امنیت خود پردازند و بر افزایش تعرفه‌ها بر واردات به‌ویژه از چین تأکید می‌نماید، نشان می‌دهد که تمایلات انزواگرایانه دارد.

از سوی دیگر، تأکید وی بر مدرنیزاسیون زرادخانه هسته‌ای، ارتش، نیروهای دریایی و هوایی آمریکا و نیز طرح این مسئله که قدرت نظامی آمریکا باید بدون رقیب و بی‌چون‌وچرا باشد، سخت‌گیری بر مهاجران و دشوار نمودن روند مهاجرت به آمریکا، تأکید بر مقابله با تروریسم و تلاش برای نابود کردن این پدیده، حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل، تمایل به نژادپرستی، فاجعه‌بار خواندن توافق هسته‌ای با ایران و معرفی آن به‌عنوان بدترین توافق در تاریخ آمریکا از جمله مواردی هستند که ترامپ

1. America first
2. Nation-building

باعث رنجش و دور شدن برخی از متحدان آمریکا از این کشور خواهد شد. این مسئله امکان ایجاد اجماع جهانی برای فشار بر ایران، که در دوران اوباما به خوبی اتفاق افتاد، را از بین می‌برد؛ ۳- ترامپ در سیاست خارجی تجربه ندارد و تا کنون رویکرد منسجم و مشخصی نیز در این حوزه ارائه نداده است. بنابراین حداقل در چند سال اول فعالیت وی (در صورت انتخاب شدن به عنوان رئیس‌جمهور)، آمریکا رویکرد مشخص و معینی نسبت به ایران نخواهد داشت. این حداقل در کوتاه‌مدت می‌تواند برای جمهوری اسلامی یک مزیت باشد. حتی ممکن است جمهوری اسلامی بتواند با ترامپ که به تعبیر خودش «سابقه طولانی در تجارت داشته و توافق‌سازی را خوب بلد است»، در برخی حوزه‌ها به توافقات مفیدی دست یابد. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که ممکن است ابهام در سیاست ترامپ در مورد ایران به ضرر کشورمان تمام شود؛ چون ممکن است جمهوری اسلامی با رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی از سوی آمریکا مواجه شود؛ ۴- ترامپ به نظر می‌رسد دیدگاه خوبی نسبت به عربستان ندارد. هر چند وی بسیار کم راجع به سعودی‌ها سخن گفته، اما دو نکته درباره عربستان عنوان نموده که قابل توجه هستند: یکی اینکه عربستان باید هزینه بیشتری برای دفاع از خودش پردازد و دوم اینکه در صورت عدم همراهی عربستان در جنگ علیه داعش، ممکن است آمریکا خرید نفت از این کشور را قطع کند؛ ۵- ترامپ اعلام کرده که برای از بین بردن داعش تلاش خواهد کرد و از اقدامات پوتین در این راستا نیز حمایت می‌کند. این رویکرد برای ایران می‌تواند مفید باشد، چون ممکن است بتوان با وی در مقابله با داعش به نتایج مثبتی رسید؛ ۶- ترامپ مخالف آموزش و کمک به گروه‌های ناشناسی است که در سوریه در حال جنگ با حکومت این کشور هستند.

وی در همین مورد می‌گوید: «ما در حال تعلیم کسانی هستیم که آنها را نمی‌شناسیم... ما در حال دادن میلیاردها دلار به آنها برای مبارزه با اسد هستیم... اگر شما به لیبی نگاه کنید، ببینید ما آنجا چه کردیم، این یک افتضاح است. اگر به عراق نگاه کنید، ببینید ما آنجا چه کردیم، این یک افتضاح است». البته ذکر این نکته نیز لازم است که ترامپ سرسختانه از اسرائیل دفاع کرده و وعده داده است که از این رژیم به عنوان یک شریک اقتصادی و نظامی قویاً حمایت خواهد کرد.

هیلاری کلینتون یکی از بدترین گزینه‌ها برای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. شاید در میان تمامی نامزدهای دو حزب در مرحله رقابت‌های درون‌حزبی، جز تد کروز، برای جمهوری اسلامی هیچ گزینه‌ای بدتر از کلینتون نباشد. چند دلیل برای این بدبینی وجود دارد: ۱- تحریم‌های شدیدی که در موضوع هسته‌ای علیه ایران وضع شد در دوران وزارت خارجه کلینتون اتفاق افتاد و خودش هم از اینکه مسئول تحمیل این تحریم‌ها بوده و توانسته با آنها ایران را پای میز مذاکره بیاورد، افتخار می‌کند؛ ۲- کلینتون فکر می‌کند تحریم‌ها، ایران را پای میز مذاکرات هسته‌ای آورد. بنابراین احساس می‌کند نقطه ضعف ایران را پیدا کرده است و اگر رئیس‌جمهور شود بعید نیست در دیگر حوزه‌های مورد اختلاف ایران و آمریکا نیز همان رویکرد تحریم و فشار را برای تغییر رفتار ایران در پیش بگیرد؛ ۳- کلینتون یک سیاستمدار متبحر و کارکشته است. وی در دوران سه دولت اخیر آمریکا در متن تحولات سیاسی و بویژه سیاست خارجی این کشور بوده است؛ در یک دولت بانوی اول ایالات متحده، در دولت دیگر سناتور ایالت نیویورک و در دولت سوم نیز وزیر امور خارجه بوده است. قبل از آن نیز از (بیل کلینتون سناتور این ایالت بود) و قبل‌تر از آن هم در دوران دانشجویی یک فعال سیاسی جمهوری‌خواه و سپس مشاور حقوقی کنگره بوده است. با چنین پیشینه‌ای، کلینتون به خوبی سیاست آمریکا و طرف‌های مقابل آن را می‌فهمد و از آنجا که جمهوری اسلامی ایران از ۱۹۷۹



به بعد یکی از بزرگترین مشکلات سیاست خارجی آمریکا بوده است، مطمئناً به درکی در مورد این کشور رسیده است و این باعث می‌شود به محض اینکه وارد کاخ سفید شد، در مورد ایران دچار سردرگمی نباشد و رویکرد خود را در مورد این کشور، که شواهد نشان می‌دهد سخت‌گیرانه نیز خواهد بود، به اجرا بگذارد؛ ۴- کلیتون از آن دسته رؤسای جمهوری آمریکاست که برخلاف همسرش به سیاست خارجی علاقه زیادی دارد و اتفاقاً در این حوزه نیز نشان داده است که جاه‌طلب است. از مداخله‌گرایی واهمه چندانی ندارد و برای ارائه تصویری از خود به‌عنوان یک رئیس‌جمهور زن قوی، ممکن است دست به ماجراجویی نیز بزند. این برای جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند گزینه مطلوبی باشد، به‌ویژه که وی به‌صراحت اعلام کرده است که آمریکا از تلاش‌های مردم ایران در ایجاد «تغییرات مثبت» در این کشور حمایت می‌کند؛ ۵- در میان کاندیداهای دو حزب در مرحله رقابت‌های درون‌حزبی، شاید هیچ کاندیدی به اندازه کلیتون برای عربستان سعودی مفید نباشد. در واقع کلیتون هر چند به همراه تد کروزر و سنדרز از شکایت وابستگان قربانیان ۱۱ سپتامبر از دولت‌های خارجی حامی این حملات، حمایت نموده است، اما وی طرفدار حفظ وضع موجود در خاورمیانه است؛ که در این رویکرد، وجود یک عربستان قوی نیز نیاز است. در مجموع بسیاری از کارشناسان معتقدند کلیتون نسبت به اواما ارزش بیشتری برای روابط با عربستان قائل است. البته این به معنای بازگشت روابط آمریکا و عربستان به روزهای طلایی خود نخواهد

بود و اختلافات و شکاف‌های در حال گسترش در روابط این دو کشور به تعبیر دیوید وینبرگ، کارشناس مسائل عربستان در بنیاد دفاع از دموکراسی، «وابسته به شرایط هستند نه رهبران». اما این به قول بروس ریدل، کارشناس کهنه کار سازمان سیا در امور خاورمیانه و مشاور چهار رئیس‌جمهور اخیر آمریکا در حوزه خاورمیانه و آسیای جنوبی، به معنای «طلاق آمریکا و عربستان نخواهد بود، چون آنها هنوز به همدیگر نیاز دارند». به هر حال کلیتون معتقد است عربستان سعودی برای شکست دادن داعش، خنثی‌سازی ایران و نیز باثبات‌سازی منطقه حائز اهمیت است. در چنین شرایطی، به نظر می‌رسد در استراتژی خود در مورد خاورمیانه، سعی خواهد کرد روابط با عربستان را در سطح بالایی حفظ کند.

در مجموع در شرایط موجود، سناریوی مطلوب برای جمهوری اسلامی ایران، به قدرت رسیدن دونالد ترامپ و سناریوی نامطلوب، رئیس‌جمهور شدن هیلاری کلیتون است. شواهد و برآوردها حاکی از آن است که کلیتون رئیس‌جمهور آینده آمریکا خواهد شد و به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران از هم‌اکنون باید به فکر وضعیت پس از اواما باشد. کلیتون برخلاف رؤسای جمهور سابق آمریکا و رقبای انتخاباتی کنونی‌اش، با رویکرد و استراتژی مشخصی در مورد ایران وارد کاخ سفید خواهد شد و باید انتظار دورانی سخت و دشوار در روابط واشنگتن - تهران را داشت.

### نتیجه‌گیری

انتخابات ریاست جمهوری آینده آمریکا برای جمهوری اسلامی ایران بسیار مهم است. کسی که در این انتخابات پیروز می‌شود به احتمال زیاد ۸ سال آینده سکندار کاخ سفید خواهد بود. سرنوشت عمده تعهدات برجام در این ۸ سال رقم خواهد خورد. به احتمال زیاد تکلیف بسیاری از مسائل پیچیده و آشفته منطقه خاورمیانه نیز در این مدت مشخص خواهد شد. در هر دوی این موارد آمریکا نقش برجسته‌ای ایفا خواهد کرد. این برای جمهوری اسلامی ایران نه تنها مهم، بلکه حتی شاید بتوان گفت سرنوشت‌ساز است. علاوه بر این، برخورد آمریکا با جمهوری اسلامی ایران در مسائل دیگر مانند بحث‌های موشکی، حقوق بشر، تروریسم و تحولات منطقه‌ای نیز بسیار مهم است و احتمالاً در این ۸ سال تحولات مهمی در این مورد در روابط ایران و آمریکا رقم خواهد خورد. به نظر می‌رسد هیلاری کلیتون و دونالد ترامپ نامزدهای نهایی دو حزب دموکرات



آیا به رأی دادن به کلینتون فکر می‌کنید، «می‌گویند خیر من چنین برنامه‌ای ندارم و فکر نمی‌کنم موج بزرگی از شور و شوق نسبت به کلینتون در میان جمهوری خواهان وجود داشته باشد و همچنین اشتیاق چندانی نسبت به وی در میان دموکرات‌ها نیز وجود ندارد».

در چنین شرایطی، به نظر می‌رسد انتخاب آمریکایی‌ها بین بد و بدتر خواهد بود و کلینتون به‌عنوان گزینه بد انتخاب خواهد شد؛ گزینه بدی که البته برای جمهوری اسلامی ایران گزینه بدتر محسوب می‌شود و باید خود را برای برخوردهای این سیاستمدار سرسخت، زیرک و جاه‌طلب آماده کند.

و جمهوری خواه برای انتخابات آتی ریاست جمهوری آمریکا باشند. هم سخنان کلینتون و هم تجربه دوران وزارت خارجه وی نشان می‌دهد که سرسختانه با ایران برخورد خواهد کرد. البته در قامت رئیس‌جمهور، بعید نیست الزاماتی وی را وادار به رفتاری متفاوت نماید. ترامپ نیز در اشاره به ایران، بسیار تند سخن گفته و در تمامی موضوعات مورد اختلاف ایران و آمریکا، وعده برخورد جدی با ایران را داده است. با وجود این، تفکر وی در سیاست خارجی که به نظر می‌رسد ترکیبی از انزوآگرایی و نومحافظه کاری است، در نهایت می‌تواند به نفع جمهوری اسلامی ایران تمام شود. علاوه بر این، به نظر می‌رسد با ترامپ که از «استراتژی به‌جای ایدئولوژی» در سیاست خارجی سخن می‌گوید و تا کنون تصویر شخصیتی بسیار عمل‌گرا از خود نشان داده است، بهتر می‌توان کار کرد و در مورد مسائل فی‌مابین مذاکره نمود. در واقع به نظر می‌رسد ترامپ به‌عنوان شخصی که کاسب و تاجر است و دیدگاه حل‌المسائلی دارد، کار کردن می‌تواند راحت‌تر باشد. البته نباید از این مسئله غافل شد که ترامپ یک جمهوری خواه است و در صورت انتخاب شدن به‌عنوان رئیس‌جمهور، تیم سیاست خارجی و امنیت ملی وی از جمهوری خواهان و نومحافظه کاران خواهد بود و این برای ایران ممکن است چندان هم جالب نباشد. بر اساس شواهد موجود و طبق برآوردها، احتمال پیروزی هیلاری کلینتون بسیار بیشتر از ترامپ است، البته هنوز تا روز انتخابات زمان زیادی باقی مانده و طبق برخی نظرسنجی‌ها نیز ترامپ و کلینتون شانس تقریباً برابری دارند. با وجود این میزان تنفر از ترامپ حتی در میان حزب جمهوری خواه بسیار بالاست و بعید نیست نتیجه‌ای شبیه شکست سنگین باری گلدواتر از لندون جانسون در انتخابات ۱۹۶۴ ریاست جمهوری آمریکا برای جمهوری خواهان رقم بخورد. هر چند مطمئناً کلینتون محبوبیت لندون جانسون را ندارد و به‌رغم اینکه کمپین وی تلاش زیادی صورت داده تا جمهوری خواهان ناراضی از ترامپ را با خود همراه کند، نظرسنجی رویترز نشان می‌دهد بیش از ۸۴ درصد جمهوری خواهان نظر مساعدی نسبت به او ندارند. استوارت استیونز، استراتژیست اصلی کمپین میت رامنی در سال ۲۰۱۲ که می‌گوید ترامپ «احتمالی است که هیچ توانایی در کسب اطلاعات از خود نشان نداده است و کیفیت رئیس‌جمهور شدن ندارد»، وقتی با این سؤال مواجه می‌شود که